دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ شماره ۸۷۰۴
irannewspaper irannewspapper

نگاهی اجمالی به چهار گفت‌وگوی فرهنگی وهنری در سالنامه ایران

فرهنگ و هنر در تقاطع قهر و آشتی

گزارش

گروه فرهنگی

حوزه فرهنگ در سالی که گذشت، چیزی شبیه به موقعیت‌گذار را تجربه کرده بود. در میانه انتقال قدرت و تغییر دولت قرار گرفت تا باردیگر اهالی فرهنگ و هنر، دل در گرو امیدی تازه ببندند شاید قصه‌ای از دلخوشی‌ها هرچند اندک را در مدیریت و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی شاهد باشند. با این حال هنوز راه به راهگشایی در حوزه فرهنگ و هنر سخت و طولانی است. برای رسیدن به این هدف باید ابتدا بی‌اعتمادی هنرمندان به سیاست‌گذاران و مدیران دولتی را کم کرد و اولین گام در این مسیر حل مشکلات قضایی و اقتصادی آنهاست. این روند را باید تغییر داد و قطار فرهنگی کشور را به ریل و مسیر درست خود برگرداند. تولید به‌سمت رکود رفته و با این ایست‌بازرسی‌ها و اتفاقاتی که مدیریت نمی‌شود، چشم‌ها از سرمایه‌گذاری‌های تازه در حوزه فرهنگ و هنرترسیده و ذره‌بین انداختن‌های ناتمام و نیت‌خوانی‌ها، اهالی هنر را مضطرب و نگران و امیدها را کم‌رنگ و بی‌رنگ کرده است. در سالنامه روزنامه ایران در واکاوی این مباحث گفت‌وگوهایی با اهالی فرهنگ و هنر داشتیم که خلاصه‌ای از مباحث آن را در اینجا می‌توانید بخوانید.

اکبر زنجان‌پور در گفت‌وگو با «ایران سال» از سال‌ها خاطراتش در تئاترشهر و مشکلات این هنر اصیل می‌گوید

هنرمند پیشگام است، نه پیشکسوت

دغدغه هنرمندان در بیان مسائل و مشکلات جامعه از دیرباز بوده و است و به همه هنرها خلاصه می‌شود. موضوعی که پیشکسوتان این عرصه هم به آن تأکید مؤکد دارند و به گفته اکبر زنجان‌پور هنرمند باید وجدان بیدار جامعه باشد.

استاد اکبر زنجان‌پور از بازیگران پیشکسوت سینما و تلویزیون و تئاتر است و علاوه برآن تبحری هم در کارگردانی تئاتر دارد. اگرچه به گفته او هنرمند پیشگام است نه پیشکسوت.

زنجان‌پور درگفت‌وگوی ویژه‌نامه نوروزی که به بهانه ۵۲ سالگی تئاتر شهر انجام گرفته، از سال‌ها خاطراتش بر روی صحنه این سالن قدیمی شهر و مشکلاتی که امروز با آن روبه‌روست، سخن گفته است: «بیستم مهرماه ۱۳۴۵ کلنگ احداث تئاترشهر توسط دکتر مهدی نامدار - رئیس دپارتمان تئاتر هنرهای زیبا - زده شد و نهم بهمن ماه ۱۳۵۱ تئاتر شهر با نمایش «باغ آلبالو» نوشته آنتوان چخوف و به کارگردانی آربی اوانسیان افتتاح گردید. از آن روزگار خاطرات بسیاری به‌جای مانده است. آن روزها وقتی برای بار نخست به پشت صحنه تئاتر رفتم، همه‌چیز متفاوت با اکنون بود؛ تمیز و باشکوه. احساس خیلی‌ها بر این بود، باید به این صحنه، سالن و پشت صحنه احترام بسیار گذاشت و از آن مراقبت کرد، ولی خب به دلیل کمبود سالن‌های نمایشی در تهران، این اتفاق عملاً شکل نگرفت.»

این هنرمند علاوه بر بازیگری، دستی هم برکارگردانی تئاتر دارد و در پاسخ به این سؤال که کدام‌یک بر او ارجحیت داشته، بیان می‌کند: «اینکه کدام‌یک بر دیگری ارجح است را نمی‌توان گفت و انتخاب کرد؛ اما در مجموع بازیگری برایم مهم‌تر از کارگردانی بوده است. به هرحال طی این سال‌ها کارگردان‌هایی که از آنها حرف‌شنوی داشته‌ام، یا رفته‌اند یا از صحنه روزگار کم شده‌اند و این موضوع موجب شد به این فکر بیفتم و نگاه جدی به حرفه کارگردانی داشته باشم. اگرچه در ابتدای راه رعب و وحشت داشتم. ترس از اینکه آیا از پس کار برمی‌آیم یا خیر؟ آیا می‌توانم بر روی بازیگران و متن مسلط باشم یا خیر؟ آیا می‌توانم بر روزگاری که این کار اجرا می‌شود، تسلط داشته باشم یا خیر؟ تمامی این موارد و لمس تب روزگار موجب شد ابتدای راه را با ترس همراه شوم. البته در حال حاضر ترس و نگرانی‌های آن زمان وجود ندارد، اما دل‌نگرانی‌های دیگری همراهم است. ترس از تعهدی که به مخاطب دارم، بنابراین تلاشم بر این است که تماشاچی از من ناامید نشود؛ اما اینکه طی این سال‌ها چه میزان در این امر موفق عمل کرده‌ام یا خیر، برعهده روزگار است!»

تعهد به مردم و جامعه، از دیگر دغدغه‌های اکبر زنجان‌پور است و خود را متعهد به تولید کارهایی می‌داند که بیان مشکلات جامعه‌اش باشد، اما اینکه این گفتار درست بر متن نشسته است یا خیر را به منتقد می‌سپارد. اگرچه بر این نظر است منتقد خوبی در عرصه هنر وجود ندارد: «طی سال‌ها فعالیتم در عرصه هنر، بویژه تئاتر، سعی‌ام بر این بوده هر پیشنهادی را قبول نکنم، چرا که ما عمله طرب نیستیم. اگرچه در تعریف آن آمده هنرمند باید وجدان بیدار جامعه باشد. بر این اساس به شخصه تلاشم در راستای این موضوع بوده و هست اما اینکه چقدر توانسته‌ام موفق عمل کنم یا خیر، قضاوت با مردم است! البته از تشویق مخاطبان و ابراز احساساتشان می‌توان حس کرد و حدس زد این رضایت وجود دارد، اما دقیقاً نمی‌دانم چه خبر است؟

بر این اساس نکته‌ای که بسیار قابل اهمیت است و می‌تواند مخاطب و هنرمند را موردتوجه قرار دهد، نقد کردن و بودن یک منتقد است. نقد نه به معنای فحاشی. منتقد به معنای اینکه کار هنرمند را منصفانه قضاوت، بررسی و نقد کند و بگوید این کارچه محسنات و نقطه ضعف‌هایی داشته است. جامعه منتقد باید از استعدادها مراقبت کند تا تعداد آنها افزایش یابد، البته پرداختن به این استعدادها نیازمند زمان کافی است.»

> جامعه منتقد باید از استعدادها مراقبت کند تا تعداد آنها افزایش یابد، البته پرداختن به این استعدادها نیازمند زمان کافی است

این بازیگر، دیگر مسأله موردتوجه درخصوص تئاتر را نگاه مسئولان عنوان کرد و افزود: «مسئولان باید قاطعانه تصمیم بگیرند تا تئاتر کشورمان شکل و شمایل پیدا کند، چرا که تئاتر جدا از انسان نیست و همراه اوست. ما زمانی می‌توانیم از شناسنامه و هویت فرهنگی و هنری برخوردار باشیم که نویسنده‌های بزرگ تئاتری در کشورمان متولد شوند. در ادبیات کشور ما حافظ و سعدی و گلستان و بوستان، منطق‌الطیر، مولوی و... هست که موجب زنده نگه‌داشتن ایران و ایرانی شده است، حالا اگر یک تئاتر درجه یک با متنی قابل قبول و بدون نگاه تعصبی و ملی‌گرایی درباره یک شخص یا موضوعی نوشته شود و آن را بیان کنند، تئاتر ما هم به گنجینه‌های ادبی‌مان افزوده می‌شود و بی‌تردید، حال مردم کشورمان بهتر خواهد شد.»

اما نکته قابل‌توجه در هنر تئاتر که این روزها با آن جسته گریخته به سر می‌کند، تئاترهای لاکچری است. سلبریتی‌های کم‌تجربه از دنیای سینما و تلویزیون و حتی موسیقی که وارد این عرصه شده‌اند. زنجان‌پور بر این باور است که برای این اتفاق باید عنوان دیگری انتخاب کرد و می‌گوید: «افرادی هستند که دست به چنین کارهایی می‌زنند و خوب هم می‌فروشند، اما این کارها تئاتر نیست و با بیان خودشان تئاتر بفروش است. تئاتر وجدان مردم است و چنین مسائلی به این هنر برنمی‌گردد.»

رضا کیانیان و محمدرضا جلائی‌پور از اقداماتی برای آشتی دوباره اهالی فرهنگ و هنر با صحنه گفته‌اند

ترک میدان‌های هنری باعث گشایش نمی‌شود

ساخت و ساز حریم تئاتر شهر به عنوان اصلی‌ترین مجموعه تئاتر کشور و نماد تئاتر ایران در شرایطی همچنان در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برد که طی این سال‌ها جزو دغدغه اصلی علاقه‌مندان جدی تئاتر بوده و حتی از سوی فعالان این حوزه پیشنهادهای خوبی برای به سرانجام رسیدن آن مطرح شده است. رضا کیانیان از جمله اهالی سینما و تئاتر است که طرح پیشنهادی برای این منظور ارائه کرده است. طرحی که به گفته او نه تنها هزینه‌ای برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارد بلکه برای این وزارتخانه درآمدزا است.

او که در ویژه نامه نوروزی ایران درباره چالش‌های مهم این روزهای حوزه سینما و تئاتر صحبت کرده، خاطره جالبی از دلایل عملی نشدن این طرح تعریف می‌کند. کیانیان با اشاره به این ماجرا که در دوره‌ای مدیران مربوطه تصمیم گرفته بودند که حریم تئاتر شهر را با شیشه‌های ضدگلوله بپوشانند، دلیل آن را واردات شیشه ضدگلوله توسط یکی از آقازاده‌ها عنوان می‌کند: «یک دوره‌ای می‌خواستند دور تا دور پارک دانشجو را شیشه ضدگلوله بگذارند. چرا؟ گفتیم مگر آنجا تیراندازی می‌شود؟ بعد فهمیدیم که یک آقازاده شیشه ضدگلوله وارد کرده است. خوشبختانه این طرح از بین رفت.»

کیانیان با خطاب قراردادن سیدعباس صالحی و اعلام آمادگی برای ارائه این طرح، در توضیحات تکمیلی می‌افزاید: «چند سال پیش من و آروند دشت‌آرای طرحی داشتیم برای پارک دانشجو و گفتیم شما حتی یک ریال خرج نکنید و ماهانه اینقدر هم بگیرید. همه گفتند به به و چه چه ولی انجام نشد. بعد چه اتفاقی افتاد؟ این افتضاح جلوی تئاتر شهر را درست کردند. این افتضاح را باید برچید. در طرح ما خود به خود موضوع آلودگی به مواد و... حذف می‌شد. هنوز هم طرح ما هست و می‌توانیم آن را ارائه بدهیم. من گروهی را پیدا کردم که مهندس هستند و تم‌پارک می‌سازند. تم‌پارک‌هایی که الان در تهران هست را آنها ساختند و پولی هم نمی‌گیرند. می‌گویند ما این تم‌پارک را می‌سازیم دو، سه سال با ما و بقیه را هم به خودتان می‌دهیم.»

او علاوه بر این طرح، در بخشی از این گفت‌وگو که درباره اصلاح هزینهٔ بودجه‌های فرهنگی در سازمان‌ها و نهادهای مختلف است، پیشنهادی هم جهت ایجاد فعالیت برای به تعبیر او لشکر فارغ‌التحصیلان بیکار رشته تئاتر دارد و به محمدرضا جلائی‌پور جامعه‌شناس و قائم‌مقام معاون راهبردی رئیس جمهوری توصیه می‌کند از این گروه برای آموزش و معرفی فعالیت وزارتخانه‌های کشور استفاده شود. این بخش از صحبت‌های کیانیان با اطلاعات جالبی از سوی جلائی‌پور همراه است که کمتر درباره آن اطلاع‌رسانی شده است. او می‌گوید که طبق بند چ ماده ۳۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعهٔ کشور یک الزام قانونی وجود دارد که همهٔ دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی و وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها باید یک درصد کل اعتبارات هزینه‌ای‌شان را به صداوسیما بدهند و این جدا از بودجه‌ای است که هر ساله صداوسیما رسماً می‌گیرد. به گفته او این در حالی است که هیچ نظارت مؤثری بر هزینه‌کرد این بودجه برای معرفی عملکرد دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها وجود ندارد و به یک معنا رانت و حتی منشأ اشکالی از فساد و هدررفت منابع عمومی شده است. ایجاد اعتماد و بازگشت اهالی فرهنگ و هنر اما محور اصلی مصاحبه ویژه نوروزی ایران در هم صحبتی جلائی‌پور با کیانیان است. در این گفت‌وگوی مفصل کیانیان از دلایل اصلی عدم اعتماد برخی چهره‌ها برای بازگشت به میدان فرهنگ و در عین حال تلاش‌های آنها بر غلبه بر موانع می‌گوید و در ادامه می‌افزاید: «ولی من می‌گویم چقدر باید جان کند؟ یعنی زمان آن رسیده که بالاخره یک عده‌ای از آقایان دولتمردان بیایند و بگویند این همه جان کندن بس است، این هم کمک ما به شما»

> ترک میدان‌های هنری باعث گشایش نمی‌شود. خود هنرمندان باید به میدان برگردند و بازیگران گشایش گام به گام باشند

جلائی‌پور اما با تأیید صحبت‌های کیانیان بر این باور است که: «ترک میدان‌های هنری باعث گشایش نمی‌شود. خود هنرمندان باید به میدان برگردند و بازیگران گشایش گام به گام باشند.» او با تأکید بر لزوم ترکیبی از پشتوانه اجتماعی و بازوهای توافق‌ساز برای باز کردن فضای کار می‌گوید: «الان می‌شود «پیر پسر» را اکران کرد؛ به شرط اینکه تعداد مطالبه‌گران و بازوهای توافق‌ساز بیشتری پای کار توافق‌سازی بیایند تا این فیلم اکران شود. خیلی از نیروهای مدنی و هنرمندان ما این میدان را رها کرده‌اند، شما از افرادی هستید که این کار را نکردید. به نظرم اگر ما صدتا کیانیان داشتیم شاید الان تعداد فیلم‌های بیشتری از فیلم‌های توقیفی قبل در سینماها اکران می‌شد و احتمالاً در همه حوزه‌ها سانسور کمتری می‌داشتیم. قبول دارم که کار سختی است، اما نتیجه این کنار کشیدن این نیست که فضا یکباره گشوده شود، بلکه تبعاتش این است که از این هم بسته‌تر شود.»

خاطره رضا کیانیان از حضور اولیور استون در ایران و مدیریت جشنواره جهانی فیلم تهران توسط رضا میرکریمی و همچنین حضور شان پن و کمیته اسکار در کشورمان و دستاوردهای چنین تعاملاتی از دیگر بخش‌های خواندنی این گفت‌وگوست که می‌توانید متن کامل آن را در سالنامه نوروزی ایران بخوانید.

گفت‌وگو با فرهاد آئیش به بهانه کسب سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در «موسی کلیم الله»

هر نقشی را باید درون خودم پیدا کنم

فرهاد آئیش را اغلب با دو شمایل بازیگری به یاد می‌آوریم. یکی در نقش‌های کمدی که به دلیل علاقه ویژه‌اش به این ژانر، نقش‌های کمیک متنوعی را بازی کرده و دیگری در شمایل شخصیت‌های تاریخی از جمله در نقش دکتر مصدق که در حافظه سینمایی ما ثبت شده است. او که امسال برای بازی در دو نقش در فیلم «موسی کلیم الله» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد در گفت‌وگو نوروزی با «ایران» از آثار کمدی و تاریخی و ترجیح خود برای پذیرش نقش‌ها گفته است.

آئیش که پیش از این عنوان کرده بود که از نقش‌های تاریخی به خاطر مؤلفه‌هایی که دارد می‌ترسد، در گفت‌وگو با «ایران» از علاقه‌اش برای نقش‌های منفی به خاطر چالش‌برانگیز بودن آن گفته اما در عین حال از دو نقش مثبتی گفته که دوست دارد بازی کند: «بهترین نقش‌هایی که دوست دارم بازی کنم حضرت مسیح و گاندی است اینها کسانی‌اند که خیلی دلم می‌خواهد بازی کنم و اینها از نظر من مثبت‌اند، منتها مثبت‌هایی هستند که خیلی پیچیدگی دارند.»

این بازیگر سینما در بخشی از این گفت‌وگو از ریسک و شجاعت ابراهیم حاتمی‌کیا برای سپردن دو نقش مثبت و منفی در «موسی کلیم الله» گفته است. نقش منفی او آنوبیس، خوابگزار نابینایی است که با عالم ماورا ارتباط دارد. آئیش درباره حساسیت‌های حاتمی‌کیا برای درآمدن این نقش با ذکر خاطره‌ای می‌گوید: «من باید این فضای سوررئال را در درون خودم رئال می‌کردم. حتی لحظاتی هم بود که من جمله‌ای را می‌گفتم که باید زنان را بکشند، کارگردان کات داد و یک بار دیگر گرفت و از من خواست که واقعاً بشنوم. از قرار من به اندازه کافی از نگاه حاتمی‌کیا نشنیده بودم و این خیلی جذاب است که یک بازیگر با یک کارگردان اینقدر حس نزدیک داشته باشند که او بتواند میلیمتری بازیگر را جابه‌جا کند و متوجه بشود که چقدر و به چه اندازه من دارم از ماورا می‌شنوم یا آیا دارم از زبان خودم حرف می‌زنم.»

آئیش همچنین در ادامه صحبت‌هایش راجع به جذابیت و چالش ایفای دو نقش مثبت و منفی در یک اثر، خاطره تلخی از بدعهدی یک گروه سریال‌سازی تعریف کرده و از آن به عنوان خیانت یاد کرده است: «در سریالی که سال گذشته بازی کردم، نقشی به من پیشنهاد شد که دوست نداشتم آن را بازی کنم چون خیلی چالش نداشت. کارگردان و تهیه‌کننده اصرار کردند و من گفتم که این را دوست ندارم و نمی‌توانم شش ماه روح و وجودم را در این نقش بگذارم. یک نقش دیگر وجود داشت که خیلی کوتاه بود؛ سه چهار سکانس که بچه‌دزدی بچه‌ها را می‌برد و آنها را به گدایی می‌فرستد، بچه‌ها را خرید و فروش می‌کند یک آدم پست و کریه، گفتم من آن را دوست دارم، گفتند نقش کوتاه است و ما می‌خواهیم برای شما نقشی طولانی‌تر در نظر بگیریم. گفتم خب الان که راجع به این حرف می‌زنیم اگر من هر دو را بازی کنم به عنوان دو برادر دوقلو که یکی از آنها آدم خوب و دیگری آدم بد است این یکی از آرزوهای من است که الان در فیلم موسی این آرزو به تحقق پیوسته است. آنجا گفتم در این صورت این کار را انجام می‌دهم که هر دو را بازی کنم. به خصوص وقتی دو برادر دوقلو هستند باید یک دی‌ان‌ای و ژن نزدیک داشته باشند. چگونه می‌تواند همان دی‌ان‌ای که در عین حال می‌تواند دی‌ان‌ای خود من است؛ کریه، زشت و پست باشد و آن یکی خوب و در عین حال هر دو خطر لغزش متضاد چیزی که نشان می‌دهند را دارند. گفتم این چالش خیلی خوبی است و قبول کردند، ولی یک سال گذشت و زمانی که به صحنه برادر دوقلو رسیدند کارگردان روزهای اول می‌گفت ایده خیلی جذابی است و من به نویسنده می‌گویم، ولی زیر حرف خودشان زدند و دل من آنقدر شکست که هیچ‌وقت آن سریال را نگاه نخواهم کرد و هیچ‌وقت هم نام آن را نخواهم برد به خاطر اینکه به من خیانت کردند و به من دروغ گفتند.»

> بهترین نقش‌هایی که دوست دارم بازی کنم حضرت مسیح و گاندی است اینها کسانی‌اند که خیلی دلم می‌خواهد بازی کنم و اینها از نظر من مثبت‌اند، منتها مثبت‌هایی هستند که خیلی پیچیدگی دارند

«هیچ وقت طرفدار پرسپولیس، استقلال یا یک تیم سینمایی نبوده‌ام» این عبارت از صحبت‌های آئیش، در بخشی از تأییدیه‌اش نسبت به اولین همکاری‌اش با ابراهیم حاتمی‌کیاست و در توضیح اینکه دلایل این مقبولیت صرفاً به خاطر حضورش در این فیلم نبوده است. او در عین حال می‌گوید: «فیلم موسی هم سلیقه من نیست چون پالپ‌فیکشن، تارانتینو، وودی‌الن یا حتی بعضی از فیلم‌های اکشن را بیشتر ترجیح می‌دهم که ببینم ولی بعضی از فیلم‌ها شما را جلو می‌برد و بعضی از فیلم‌ها نمی‌برد، این فیلم توانست من را جلو ببرد از اول تا آخر بُرد. یک صمیمیتی در قصه بود و مهم‌تر از همه اینکه زیاده‌گویی نداشت.»

کمدی‌های سیاست‌زده و پول‌زده امروز سینمای ایران و تفاوت آنها با موقعیت‌های طنزی که به تعبیر او خنده فلسفی بر لب آدم می‌نشاند و انگار به انسان و وضعیت خودش می‌خندد از دیگر موضوعاتی است که آئیش در این گفت‌وگو به صورت مفصل درباره آن صحبت کرده است.

منوچهر شاهسواری دبیر چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در گفت‌وگو با «ایران سال»:

اقتدار فرهنگی ما نیازمند قدرت سینمایی است

جشنواره فیلم فجر به‌مثابه بزرگ‌ترین رخداد سینمایی سال، همواره در کانون توجه بوده است. نه‌فقط در کانون توجه سینماگران یا اهالی رسانه که در افکار عمومی و مردم علاقه‌مند به سینما هم مورد توجه قرار می‌گرفت. اما در چند سال اخیر این جشنواره در تراژیک‌ترین وضعیت تاریخی خود قرار گرفته بود. دو بحران سلامت و سیاست، یعنی شیوع کرونا و حوادث شهریورماه ۱۴۰۱به بعد، سینما و مناسبات آن را هم تحت‌تأثیر خود قرار داده بود که بحران عمومی را به بحران در سینما هم گسترش داد. جشنواره‌ای که نه مخاطبان که سینماگران هم دیگر به آن بر سر مهر نبودند و اساساً دل و دماغ جشنواره رفتن نداشتند و عملاً جشنواره فیلم فجر به جشنواره‌ای خنثی و بی‌رمق تبدیل شد؛ جشنواره‌ای که سینما را در کانون توجه جامعه قرار می‌داد به محاق رفت و نقش سینمایی و فرهنگی خود را از دست داد. چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر هم با تمام فرازونشیب‌هایش به پایان رسید و در حافظه سینمای ایران ثبت شد. جشنواره‌ای که دبیر آن از بدنه سینما بود و به‌دلیل تجربه مدیرعاملی خانه سینما ارتباط خوبی با اصناف گوناگون سینمایی داشت که همین هم در اینکه جشنواره امسال متفاوت از چند سال اخیر باشد و از نشاط و پویایی بیشتری برخوردار باشد، مؤثر بود. منوچهر شاهسواری این مسئولیت را به‌دلیل احترامش به سینما در شرایط سختی پذیرفت اما تأکید کرد که اگر قرار باشد ساختار جشنواره تغییر نکند حاضر به دبیری دوباره جشنواره نیست. با منوچهر شاهسواری درباره این تغییر و ساختاری که باید بر جشنواره فیلم فجر حاکم شود و البته تغییراتی که سینمای ایران به آن نیاز دارد گفت‌وگو کردیم که می‌توانید در سالنامه روزنامه ایران بخوانید. شاهسواری در این گفت‌وگو تأکید کرد که اقتدار فرهنگی ما نیازمند قدرت سینمایی است. به باور شاهسواری، جشنواره فجر ماهیتی داشته که کشف استعدادها بوده و سال‌هاست فراموش شده، اتفاقاً من راجع به این عنصر فراموش‌شده حرف می‌زنم. حال آن عنصر فراموش‌شده که کشف و برجسته‌سازی استعدادها و برندسازی استعدادهای نوست، دیگر فقط برای جغرافیای ایران نیست. آن موقع برای جغرافیای ایران بوده است، البته گاهی اوقات در خاطرات دوستان می‌بینیم که علاقه‌مند بودند در جهان حضور پیدا کنند و این به طور جدی وجود داشته است، اما الان یک مقدار وسیع‌تر فکر می‌کنم و می‌گویم جهان ایرانی حوزه اولی است که ما باید در آن حاکمیت فرهنگی خودمان را به واسطه سینما به دست آوریم. چیزی که می‌تواند آینده اقتدار تمدنی ما را تضمین کند، اقتدار فرهنگی‌مان است و اقتدار فرهنگی ما نیازمند قدرت سینمایی ماست. چون ما در جهانی زندگی می‌کنیم که تمدن آن بنیان‌تصویر است. به اعتقاد منوچهر شاهسواری، فقط در این شرایط با دانشنامه سینمایی است که می‌شود این اقتدار فرهنگی و قدرت سینمایی را به دست آورد. حوزه فرهنگ، حوزه تقابل نیست. بلکه حوزه فرهنگ، حوزه گفت‌وگو، تعامل، دیدن، شنیدن و خواندن است. مگر می‌شود با دیدگاه‌های سیاسی این حوزه را مدیریت کرد؟ هر کسی که بخواهد با دیدگاه سیاسی این حوزه را مدیریت کند از نظر من و به گمان من از پیش شکست خورده است. گاهی اوقات ممکن است آدم‌ها، مدیران یا فیلمسازان در این فرآیند هم مقصر باشند یا نباشد من می‌گویم هر فیلمی که در سینمای ایران ساخته می‌شود محصول همه ماست چه خوب و چه بد. این تفکیک‌ها از نظر من در حوزه فرهنگ تفکیک‌هایی بیمار است. من می‌توانم جشنواره را اداره کنم و همچنان منتقد بعضی از بخش‌های جشنواره باشم، اما از نفس جشنواره دفاع کنم. یک زمان است که ما از نفس یک پدیده تبری می‌جوییم و یک زمان است که با فرم سروکار داریم. ادبیات و هنر به من یاد داده این فرم است که مهم است. ما باید در فرم‌ها تغییر ایجاد کنیم، وگرنه مبانی درام که عوض نشده، فرم‌هاست که عوض شده، در زندگی هم همین است.